

«از شریف حسین تا جمال عبدالناصر»

«بسمه تعالی»

مقدمه:

به بهانه اشغال فلسطین خونین توسط نژاد پرستان فاشیست صهیونیست در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ میلادی که مصادف با ۲۵ اردیبهشت ماه است مقاله «اعراب، اسرائیل، سازش» را به نقل از پرتون دلخلی جهاد سازندگی برای خوانندگان عزیزمان انتخاب کردیم. باشد که درج این مقاله که در چند شماره ادامه پیدا خواهد کرد ماهیت کثیف و دروغین اسلام پنهان مرتجع را بیش از پیش روشن نماید و از گذشته ها درس بگیریم.

✿ مسیری که رهبران عرب

تا به امروز در ارتباط با موضوع صلح با اسرائیل طی کرده اند بدون استثناء آنها را به موضع سازش با اسرائیل از موضع ضعف بعنوان تنها راه حل عملی کشانده است.

مسئله که از فراز ونشیب خاصی در روند جریانات عربی برخوردار است طی بیش از شش دهه، هر چند گاه یکبار، محور گفتگوهای سران منطقه قرار گرفته است و جای ویژه ای در دیپلماسی ابرقدرتها در رابطه با مسائل خاورمیانه باز کرده است. مسیری که رهبران اعراب تا به امروز در ارتباط با موضوع «صلح با اسرائیل» طی کرده اند، بدون استثناء آنها را به موضع «سازش» با اسرائیل - از موضع «ضعف» بعنوان تنها راه حل عملی کشانده و در حال حاضر بعد از «جنگ ایران و عراق» مهمترین مسئله جدی اعراب را تشکیل میدهد، جهت روشن شدن کیفیت مذاکرات و پیشنهادات «صلح» مابین «اعراب» و «اسرائیل» و مسیر طی شده آن بطور فشرده نگاهی به روند آن از روز نخست تا به امروز، میکشیم: شاید نخستین باری که این مسئله طرح شد زمانی باشد که اعراب مشغول جنگ با امپراطوری

شریف حسین برای اطمینان بخشیدن به بریتانیا و جنبش به اصطلاح صهیونیستی یهود طی درج مقاله ای در روزنامه «ال قبله» از اعراب درخواست میکند نسبت به یهودیانی که تمایل به زندگی در کنار آنها دارند با گذشت باشند»

نرمش و انعطاف بیش از حد از جانب «حسین» و ابراز موافقت نسبت به امکان صهیونیستها در فلسطین یا دیگر مناطق عربی می تواند معلول دو علت بوده باشد.

نخست آنکه اینطور میشود تصور کرد که در آنموقع افق فکری و بینش شریف حسین آنقدرها وسعت نداشت که از میزان خطر استقرار یک «یهود» در قلب دنیای عرب آگاهی حاصل کند و آنچنان که باید و شاید مضرات آنرا دریابد لذا در اینجا پیش از هر مسئله ای اگر وی را در این مورد ماده اندیش تقی کنیم شاید به واقعیت نزدیکتر باشد چه آنکه در ابتدا - از صهیونیزم چهره ای انسانی ارائه شده بود بطوریکه جنبش صهیونیستی بمشابه «ناسیونالیسم» یهود که عکس العمل طبیعی حرکتی ضد یهودی در اروپا و روسیه بود شناخته می شد.

طبعاً کسانی که به محتوا و نیت دراز مدت رهبران صهیونیست و همچنین بنظرات استعماری بریتانیا در حمایت از صهیونیزم واقف نبودند از درک ابعاد آن نیز بی اطلاع باقی می ماندند و شریف

فیصل می خواست در ازاء جلب رضایت سازمان صهیونیستی نسبت به استقرار صهیونیستها در فلسطین حمایت بریتانیا را به جهت نائل آمدن پرتشکیل «امپراطوری عربی سوریه» کسب کند

حسین هم اگرچه بلحاظ موقعیتش در جریان امور واقع شده بود اما قادر به درک تمامی زوایای مسئله نبود. دوم اینکه اساساً «شریف حسین» نهضت عربی را بر علیه امپراطوری عثمانی بردوپایه آغاز کرد: اول - بدست آوردن حمایت بریتانیا بلحاظ موقعیت قدرتمند آن کشور از جهت «نظامی» «سیاسی» و «اقتصادی».

دوم - داشتن اعتماد عمیق و تزلزل ناپذیر نسبت به موقعیت معنوی بریتانیا و طبعاً اطمینان داشتن به اقوال این دولت - که این نیز نتیجه چیزی جز ساده اندیشی و دور بودن وی از پیچیدگیهای

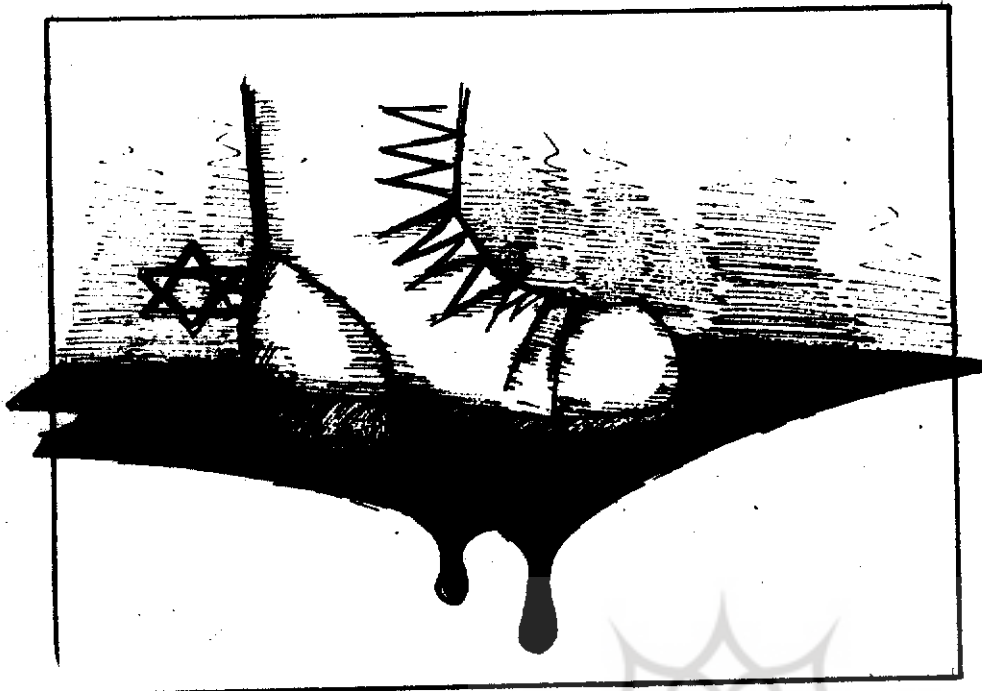
عثمانی (۱۹۱۶ - ۱۹۱۸) یا تازه فارغ از آن شده بودند.

در آن هنگام بریتانیا از «حسین» شریف مکه، که نماینده جنبش ناسیونالیستی اعراب بشمار میرفت، درخواست کرد با «تاسیس یک مین یهودی» در «فلسطین» موافقت کند.

«حسین» شریف مکه در جواب درخواست بریتانیا اظهار داشت:

«با ورود یهودیان به هر کشوری مخالفت نخواهد کرد و آماده است به آنان اجازه دهد در جوار اعراب زندگی کنند»

موضوع «سازش»، «تفاهم» «صلح» یا هر عبارتی بدین معنا، مابین اعراب و صهیونیست ها، مسئله ای است که تاریخچه آن با جدائی اعراب از امپراطوری عثمانی - که متعاقب خاتمه یافتن جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ شکل گرفت آغاز میشود. طرح موضوع «صلح» بین رهبران عرب و زعمای صهیونیزم گاهی زائیده «ساده اندیشی»، گاهی برآینده «ضعف» گاهی مولود «قدرت طلبی»، گاهی نتیجه اتخاذ یک «عمل تاکتیکی»، گاهی در اثر پشت پا زدن به تمامی «آرمانهای عربی» و «وابستگی محض بقدرت خارجی» و... از جانب سلاطین، شیوخ، روسای جمهوری و... عرب بوده است. این



سیاست در روابط ابرقدرتها نیست.

بنابراین اگر نگوئیم تعهدات بریتانیا در نزد «شریف حسین» به معنای اتمام حجت بود، میتوان ادعا کرد که شریف حسین پراحتی به اقوال انگلستان تردید کند که بهمین خاطر تأکید مقامات بریتانیا بر عدم خطر استقرار یک میهن یهودی در فلسطین - برای وی رضایتبخش و اطمینان آور بود.

از شرف حسین در می گذریم و به یکی از فرزندان وی بنام «فیصل» که ابتدا پادشاه سوریه و بعداً پادشاه عراق شد، می پردازیم: در تاریخ سوم ژانویه ۱۹۱۹ توسط «فیصل» که در آن موقع که از جانب پدرش در کنفرانس «صلح پاریس» شرکت میکرد و دکتر «حییم وایزمن»، رئیس سازمان صهیونیسم، موافقت نامه‌ای بشرح زیر به امضاء رسید.

«والا حضرت امیر فیصل، نماینده امپراطوری هجاز، بنام خود، از یک طرف، دکتر حییم وایزمن، نماینده سازمان صهیونیستی، بنام خود از طرف دیگر، بادر نظر گرفتن وابستگی زادی و روابط موجود بین اعراب و خلق یهود، با درک این امر که مطمئن ترین راه برای تحقق خواسته‌های ملی مشترکشان، همکاری نزدیک در امر رشد و توسعه دولت عربی و فلسطین است و نیز با تمایل به تحکیم حسن تفاهمی که میان آنان وجود دارد، در مورد بندهای زیر توافق میکنند.

بند اول:

در مورد تمام مسائل مربوط به روابط دوجانبه آنان، و در مذاکراتی که ممکن است انجام گیرد، دولت عربی و فلسطین از میل به تفاهم و حسن نیت متقابلی که در میانشان وجود دارد، الهام خواهند گرفت. به این منظور نمایندگان معتبری از اعراب و یهودیان منصوب و در این کشور و آن کشور مستقر خواهند شد.

بند دوم:

همین که مشاورات کنفرانس صلح پایان یافت، کمیسیونی با توافق مشترک هر دو طرف مرزهای قطعی بین دولت عربی و فلسطین را مشخص خواهد کرد.

بند سوم:

در استقرار قانون اساسی و دستگاه اداری فلسطین، برای تضمین کامل اجرای بیانیه ۷ نوامبر ۱۹۱۷ دولت انگلستان هرنوع تصمیم لازم گرفته خواهد شد.

بند چهارم:

هرنوع اقدام لازم بعمل خواهد آمد تا مهاجرت یهودیان به فلسطین، در مقیاسی وسیع، و استقرار مهاجران در اسرع وقت، از راه کولونیزاسیون متراکم تر، و کشت شدید زمین، تسهیل و تشویق گردد.

بنا به توافق، در اجرای این اقدامات، حمایت از حقوق کشاورزان و مزرعه‌داران عرب تضمین خواهد شد و آنان هرنوع کمک لازم را برای رشد

بند ششم:

امکنه مقدس مسلمانان، در دست مسلمانان قرار خواهد گرفت.

بند هفتم:

سازمان صهیونیستی در نظر دارد کمیسیونی مرکب از کارشناسان به فلسطین بفرستد تا از منابع اقتصادی کشور، طرحی کلی تهیه کنند و در مورد بهترین وسیله برای رشد و توسعه کشور گزارشی تدوین نمایند.

✱ شریف حسین برای اطمینان بخشیدن به بریتانیا و جنبش به اصطلاح صهیونیستی یهود از اعراب درخواست می کند نسبت به یهودیانی که تمایل به زندگی در کنار آنها دارند با گذشت باشند.

اقتصادی خود، دریافت خواهند داشت.

بند پنجم:

هیچ قانون یا بخش نامه‌ای نباید اجرای آزادانه آئین نامه‌های مذهبی را منع کند یا به نحوی از انحاء به آن لطمه وارد سازد. بعلاوه هیچ نوع اقدام تبعیضی در مورد مجریان مراسم و اعتقادات مذهبی مختلف بعمل نخواهد آمد. در اعمال آزادانه حقوق مدنی و سیاسی افراد، منشا مذهبی آنان به هیچوجه مداخله نخواهد داشت.

سازمان صهیونیستی، کمیسیون نامبرده را در اختیار دولت عربی خواهد گذارد، تا یک بررسی عمیق از صنایع اقتصادی کشور عربی بعمل آورد و گزارشی در تعیین شرایط لازم برای تأمین حداکثر رشد توسعه کشور تهیه نماید. سازمان صهیونیستی تمام کوشش خود را بکار خواهد برد تا دولت عربی را در بدست آوردن وسایل لازم برای رشد طبیعی امکانات اقتصادی، یاری کند.

بقیه در صفحه ۶۱

بند هشتم:

طرفین امضاء کننده می‌پذیرند که در تمام مسائل نامبرده در بالا، که در کنفرانس صلح مورد بحث قرار خواهد گرفت با توافق کامل و هماهنگی تمام اقدام کنند.

بند نهم:

هر نوع اعتراضی که ممکن است بین طرفین معاهد در گیرد، به حکمت بریتانیا گذاشته خواهد شد. توسط ما، در لندن، انگلستان در روز ۳ ژانویه ۱۹۱۹ تحریر شد.

الحاقیه «فیصل» در ذیل موافقت نامه:

اگر اعراب، در شرایطی که در یادداشت ۴ ژانویه ۱۹۱۹ خود به وزیر خارجه انگلستان ذکر کردم، استقلال خود را بدست آوردند، من معاهد به اجرای مواد این موافقت نامه خواهم بود. اما اگر کوچکترین تغییری (در شرایط یادداشت) ایجاد شود، دیگر هیچگونه تعهدی به این موافقت نامه باطل و کان لم یکن خواهد بود. نخواهم داشت و هیچ مسئولیتی را به گردن نخواهم گرفت.

(امضا): فیصل بن حسین

(امضاء): حیم وایزمن

شرایطی که «فیصل» را متقاعد به «موافقت نامه» فوق نمود بدین قرار بود:

جنگ جهانی اول پایان گرفته بود و کنفرانس «ریمو» از شعبات کنفرانس «صلح پاریس» مشغول معین کردن وضعیت اعراب رها شده از سلطه عثمانیان بود.

فیصل در آرزوی دستیابی به حکمرانی بر «سوریه بزرگ» یا «امپراطوری عربی سوریه مشتمل بر» «سوریه»، «اردن»، «فلسطین» و احتمالاً «لبنان» بود و با این رویا دل خوش می‌داشت. اما وجود قرارداد «سایکس - بیکو» که در ۱۹۱۶ بین سه دولت بریتانیا، فرانسه و روسیه بسته شده بود و طبق مفاد آن سوریه به فرانسه بخشیده شده بود، متحقق شدن رویای «فیصل» بعید و ناممکن می‌نمود. لذا توصیه‌های مقامات مختلف بریتانیا، به فیصل منطبق بر افکار وی درآمد و فی المجموع بدین نظر راهنمایی میشد که در آزاء جلب رضایت سازمان صهیونیستی نسبت به استقرار صهیونیستها در فلسطین حمایت بریتانیا را به جهت نائل آمدن بر تشکیل «امپراطوری عربی سوریه»، کسب کند. «فیصل» حاضر بود برای دست یافتن بر حکومت سوریه، اگر چه به بهای چشم پوشیدن از فلسطین و

واگذارن آن به صهیونیسم وارد معامله گردد.

اگر نگاهی حتی سریع به متن موافقت نامه داشته باشیم، ملاحظه خواهیم کرد که در صورت اجرای آن، جز آنکه همه چیز به نفع صهیونیسم تمام شود، سودی برای اعراب بیار نمی‌آورد.

ماده‌های ۳ و ۴ موافقت نامه که یکی به اجرای وعده «بالفور» اشاره دارد و دیگری به ابزار لازم برای تشکیل کشور صهیونیستی در برگیرنده تمامی امال صهیونیسم در آن مقطع است. (برای مطالعه وعده بالفور به «فلسطین از آغاز تا کنون» قسمت دوم مندرج در بولتن ۲ رجوع شود) البته «فیصل» از یک نکته غافل نبود و آن اینکه نمی‌توانست براحتی باور کند بریتانیا حاضر است به تعهداتش در قبال فرانسه از مفاد «سایکس - بیکو» چشم ببوشد.

لذا با اضافه کردن یک «الحاقیه» در ذیل موافقت نامه، مساعدت خود را نسبت به ایجاد

*** کسانی که به محتوا و نیات دراز مدت رهبران صهیونیست و همچنین به نظرات استعماری بریتانیا در حمایت از صهیونیسم واقف نبودند از درک ابعاد آن نیز بی اطلاع باقی می ماندند**

«میهن یهودی» در فلسطین مشروط به متحقق شدن «سوریه بزرگ» با حمایت انگلستان کرد و در غیر آن صورت محتوای موافقت نامه را از جانب خود کان لم یکن توصیف نمود. لیکن در اینجا نیز می‌بینیم که فیصل بدو دلیل از ایجاد میهن یهودی البته بطور مشروط استقبال می‌کند.

یکی اینکه وی بلحاظ دستیابی بقدرت و کسب حکمرانی بر سوریه حاضر است از یک منطقه از میهن عربی چشم‌پوشی کند و دیگر آنکه مانند بعضی از روشنفکران کوتاه بین عرب، دچار این ساده اندیشی شده بود که ایجاد میهن یهودی در فلسطین را نکته اتکاتی برای پیشرفت اعراب در امر تمدن و صنعت تلقی کند.

در حقیقت صهیونیستها از آنجائی که اغلب اروپائی بودند، درین اعراب چنین وانمود کرده بودند که اگر در فلسطین یک میهن یهودی ایجاد

شود، اعراب براحتی بواسطه مساعدت آن میتوانند درست یافتن به تمدن و صنعت و... سرعت موفق شوند علاوه بر موافقت نامه «فیصل» وایزمن» متن نامه‌ای که ذیلا مشاهده میشود به «فیصل» نسبت داده میشود.

پیش از آوردن «نامه» لازم بتذکر است که از جانب بعضی از مطلعین در امور اعراب مانند «ادوارد عطیه» انتساب این نامه به «فیصل» اتهامی بیش - از سوی صهیونیستها نیست. وی معتقد است که این نامه توسط صهیونیستها انشاء شده و امضاء «فیصل» نیز در پای آن جعل گردیده است و....

اینک متن نامه:

سوم مارس ۱۹۱۹

آقای فرانکفورت عزیز. (۱)

بمناسبت اولین تسماس با صهیونیستهای آمریکا، مایلیم آنچه را غالباً، در عربستان و اروپا، فرصت یافتیم به دکتر وایزمن بگویم، برای شما نیز بازگو کنم.

ما عقیده داریم که یهودیان و اعراب، از نقطه نظر نژادی پسرعموی یکدیگر محسوب میشوند و هر دو از طرف ملل قدرتمندتر، فشارهای مشابهی را تحمل کرده‌اند، و از روی حسن تصادف، هر دو توانسته‌اند نخستین گام را در تحقق ایده آل‌های ملی خود بردارند. ما اعراب - بویژه افراد با فرهنگ ما - منتهای علاقه را به جنبش صهیونیستی داریم.

هیئت نمایندگی ما در پاریس، از پیشنهادهایی که دیروز سازمان صهیونیستی تسلیم کنفرانس صلح نمود، کاملاً آگاهی دارد، ما این پیشنهادها را ملایم و مناسب میدانیم و منتهای کوشش خود را بکار خواهیم برد تا به تصویب برسند، ما از صمیم قلب به یهودیان بازگشته، خوش آمد می‌گوئیم. ما با رهبران جنبش شما، بویژه با دکتر وایزمن، روابط نزدیکی داریم و این روابط را همچنان ادامه خواهیم داد.

او کمک بزرگی به ما کرد، و من امیدوارم که اعراب بزودی قادر باشند به روشن دوستانه یهودیان، دست کم تا حدی پاسخ دهند.

ما، دست در دست هم، می‌کوشیم تا خاور نزدیک را دوباره شکل و زندگی بخشیم، و دو جنبش ما در این راه، مکمل یکدیگر خواهند بود.

جنبش یهود، جنبشی ناسیونالیستی است، نه امپریالیستی.

در سوریه برای هر دو ما جا هست.

بقیه در صفحه ۶۴



برادر حسین ملک زاده از شهرستان گناوه

ضمن سلام نامه شما را دریافت کردیم بررسی اساننامه جهاد سازندگی هنوز به پایان نرسیده است تا آنرا در نشریه منعکس کنیم انشا الله در آینده نزدیک به همت والای مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگاهبان شاهد تصویب اساننامه ای که منطبق با آرمان های تشکیل جهاد سازندگی است خواهیم بود.

کتابخانه باقرالعلوم روستای دهگانی - سیاهکل

ضمن سلام و آرزوی موفقیت، برادران عزیز، برطبق تصره ای که در قانون بودجه سال ۶۲ آمده است هرگونه چاپ نشریه با استفاده از بودجه دولت ممنوع می باشد. لذا باخاطر اهمیت و لزوم انتشار مجله جهاد، از فروردین ماه ۶۲ هزینه چاپ و انتشار آن از محل خودیاری مردم و اعضاء جهاد تامین میشود و به همین منظور تیراژ مجله کمتر خواهد شد. و شما برادران عزیز که مایل به دریافت مجله جهاد هستید می توانید مجله را از جهاد سازندگی سیاهکل تهیه کنید. از همکاری شما در این زمینه سپاسگزاریم.

برادر حسن رحمانی پور از تهران

با سلام و آرزوی توفیق الهی برایتان، نامه شما را دریافت داشتیم، برادر عزیز ما تا بحال بجز نامه اخیرتان نامه دیگر از شما دریافت نکرده ایم مطمئن باشید اگر نامه و یا مطلبی از خوانندگان عزیز دریافت کنیم فوراً درصدد پاسخ آن درخواهیم آمد. و اما در مورد داستانی که ارسال نموده اید، برای اینکه داستان شما نقد و بررسی کامل بشود بهتر است به «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» مراجعه کنید، چون امکانات حوزه بیشتر و بهتر می باشد و در این زمینه کمک و راهنمایی های لازم از مرکز مذکور بعمل خواهد آمد. انشاء الله... موفق خواهید شد.

برادر ولی... حسن نژاد گیله سرایی از ماسال

ضمن تشکر از علاقه و محبت شما نسبت به مجله «جهاد» پیشنهاد شما در شورای سردبیری طرح و بررسی خواهد شد.

برادر عباس زاده - کمیته فرهنگی جهاد

فراهان

با سلام و تشکر از همکاری و ابراز علاقه شما نسبت به مجله خودتان «جهاد» برادر عزیز، شعرهایی که از دفترچه شکوفه های خونین چاپ گردید در

از شریف حسین ...

درواقع من گمان ندارم که یکی از ما بدون دیگری، بتواند حقیقتاً به موفقیت برسد. افرادی که آگاهی و حس مسئولیت رهبران ما و شما را ندارند و از الزام های همکاری بین اعراب و صهیونیستها غافلند، کوشیده اند که از مشکلات محلی که در ابتدای جنبش ما در فلسطین اجباراً پیش خواهد آمد، بهره برداری کنند.

گمان می کنم برخی افراد، هدفهای شما را برای کشاورزان عرب، و هدفهای ما را برای کشاورزان یهودی، بنحو نادرستی بیان کرده اند، و نتیجه آن شده است که اشخاص ذینفع، توانسته اند از آنچه اختلاف بین ما میخوانند، بهره برداری کنند.

من بنوبه خود مایلیم این اعتقاد را سخ خود را با شما در میان بگذارم که این اختلافها مربوط به مسائل اصولی نیست، بلکه فقط در مورد جزئیات است. بعلاوه چنین اختلافهایی در هر نوع تماس بین

رابطه با احوال و اوضاع آن روزها بود. بهرحال اگر مجموع شعری در دسترس دارید برای ما بفرستید. تا ما اقدام به چاپ آن کنیم. در ضمن داستان شما بعنوان «جبهه دانشگاه بزرگ انقلاب» در آینده ای نزدیک چاپ خواهد شد. موفق باشید

خلفهای همسایه، بطور اجتناب ناپذیر پیش میآید. منتها با حسن نیت متقابل، میتوان به سادگی به آنها چیره شد.

درواقع اغلب این مشکلات، همین که بهتر شناخته شدند از میان خواهند رفت.

من همراه با خقم، با اشتیاق تمام منتظر روزی هستم که به شما کمک کنیم، و شما به ما کمک کنید، تا سرزمینهایی که مورد علاقه هردوی ماست، بتوانند دوباره جای خود را در جمع ملل متمدن بدست آورند.

صمیمانه ترین احساسات مرا بپذیرید. «فیصل» سخن در مورد «فیصل» را بیش از این به درازا نمی کشانیم و از آن درمیگذریم.

(۱) «فلیکس فرانکفورتس» یکی از رهبران صهیونیست در کنفرانس صلح پاریس بود.

افراد و مؤسساتی که علاقمند به اشتراک مجله «جهاد» می باشند فرم زیر را تکمیل نموده همراه یا رسید وجه آن به آدرس:

تهران صندوق پستی ۳۱۴/۱۲۳۳ - بخش توزیع مجله ارسال دلرند

تذکر ۱- مبلغ اشتراک ۶ ماهه ۶۰۰/ ریال و اشتراک یک ساله ۱۲۰۰/ ریال می باشد

۲- مبلغ اشتراک باید به حساب ۱۲۶۳ بانک ملت شعبه میدان انقلاب بنام های احمد پیله و رستاری و سعید آقا بزرگی واریز شود

اینجانب متقاضی اشتراک ششماهه - یکساله مجله جهاد می باشم مبلغ

..... ریال به حساب شماره ۱۲۶۳ بانک ملت شعبه میدان انقلاب واریز نموده و رسید شماره به پیوست فرم درخواست اشتراک ارسال می گردد

آدرس

محل اعضاء متقاضی

تلفن